

تأثیر نمود فعل بر تظاهر « را » در جمله

معصومه نجفی پازوکی^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۰

تاریخ تصویب: ۸۹/۱۱/۱۷

چکیده

افعال متعدی در زبان فارسی به لحاظ تظاهر « را » همراه مفعول آنها عملکرد متفاوتی دارند (طیب زاده، ۱۳۸۵). در این نوشتار نگارنده در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که آیا این تفاوت عملکرد افعال متعدی، ارتباطی به مشخصه معنایی نمود فعل دارد یا خیر. به این منظور پیکره‌ای متشکل از ۴۰ فعل متعدی زبان فارسی با پیروی از طبقه‌بندی وندلر (۱۹۶۷؛ ۱۹۵۷) و با استفاده از مشخصه‌های روستین (۲۰۰۴) بر اساس نمود طبقه‌بندی شد. سپس ارتباط تفاوت رفتار این افعال به لحاظ تظاهر « را » با طبقه آنها بر اساس نمود بررسی شد. نتیجه بررسی این رابطه را تأیید کرد و نشان داد مفعول افعال غایتمند، حصولی و فعالیت می‌تواند همراه با « را » یا بدون آن به کار رود ولی مفعول افعال ایستا الزاماً همراه با « را » به کار می‌رود. نتیجه آن که تفاوت رفتار افعال متعدی به لحاظ تظاهر « را » به همراه مفعول آنها بر اساس مشخصه نمود افعال قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: نمود^۱، افعال غایتمند^۲، افعال فعالیتی^۳، افعال ایستا^۴،
افعال حصولی^۵

۱- مقدمه

بررسی اجزای جمله از مسائل مورد توجه در حوزه نحو و معنی‌شناسی است. یکی از اجزای جمله در زبان فارسی تکواژ نقشی « را » است که بسیاری از دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی تحقیقاتی در این زمینه انجام داده‌اند (فیلات^۶، ۱۹۱۹؛ پیترسون^۷، ۱۹۷۴؛ حاجتی، ۱۹۷۷؛ صادقی، ۱۳۴۹؛ خانلری، ۱۳۵۱؛ لازار^۸، ۱۹۸۲؛ لمبتون^۹، ۱۹۸۴؛ کریمی، ۱۹۸۹؛ نجفی، ۱۳۶۶؛ دبیرمقدم، ۱۳۶۹). برخی از « را » به عنوان نشانه مفعول صریح معرفه یاد می‌کنند (حاجتی، ۱۹۷۷؛ صادقی، ۱۳۴۹؛ لمبتون، ۱۹۸۴) و بعضی دیگر مشخص بودن مفعول را شرط حضور « را » می‌دانند (پیترسون، ۱۹۷۴؛ کریمی، ۱۹۸۹). اختلاف دیدگاهها در مورد تکواژ « را » همچنان ادامه دارد. راسخ‌مهند (۱۳۸۹) با استفاده از بحث رده‌شناختی مفعول نمایی افتراقی^{۱۰} در زبان‌های مختلف و تعمیم‌های ارائه شده در آيسن^{۱۱} (۲۰۰۳) به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا می‌توان ثابت کرد « را » در زبان فارسی نشانه‌ی مفعولی است و با توجه به دو طیف معرفه‌گی و جاننداری، آیا فقط نوع خاصی از مفعول‌ها با تکواژ « را » به کار می‌روند. وی با ارائه شواهدی نتیجه‌گیری می‌کند که « را » به طبقه‌ی خاصی از مفعول‌ها مربوط نمی‌شود زیرا می‌تواند در طیف معرفه‌گی با همه‌ی مفعول‌ها ظاهر شود و برخلاف نظر آيسن (۲۰۰۳) طیف جاننداری نقشی در حضور « را » ندارد.

-
1. Aspect
 2. Accomplishment
 3. Activity
 4. State
 5. Achievement
 6. Phillott
 7. Peterson
 8. Lazard
 9. Lambton
 10. Differential Object Marking
 11. Aissen

همان گونه که ملاحظه می‌شود اختلاف دیدگاه‌های فوق مربوط به ویژگی‌های مفعول است. این در حالی است که می‌توان از زاویه دیگری به بررسی تکواژ «را» پرداخت. لازار (۱۹۸۲) در مورد علت کاربرد تکواژ «را» در جمله ویژگی‌های معنایی فعل را نیز دخیل می‌داند. لازار (۱۹۸۲) عواملی که سبب حضور «را» در جمله می‌شوند را این چنین برمی‌شمرد: معرفه بودن مفعول، انسان بودن مفعول، مبتدا بودن مفعول، طولانی بودن گروه اسمی مفعول، میزان تمامیت معنایی فعل و وجود داشتن فاصله‌ی معنایی میان فعل و مفعول^۱. همان گونه که ملاحظه می‌شود از میان این عوامل صرف نظر از ویژگی‌های مفعول دو مورد آخر مستقیماً مربوط به فعل جمله می‌شود. در شماره (۱) و (۲) مثال‌های لازار (۱۹۸۲) مربوط به این دو مورد ارائه شده است. در جمله‌ی (۱) الف) به خاطر وجود تمامیت محتوای معنایی فعل «دیدن» تکواژ «را» به کار رفته است اما در مثال (۱) ب) چون فعل «داشتن» بنا به توصیف لازار دارای محتوای معنایی بسیار ظریف است «را» حذف شده است. همچنین در شماره (۲) الف) چون فعل «خواندن» ارتباط معنایی نزدیکی با مفعول یعنی «کتاب» دارد «را» حذف می‌شود اما در مثال (۲) ب) با فعل «پیدا کردن» حذف «را» موجب بدساختی جمله می‌شود.

(۱) الف. بچه‌هایی را دید که نان خشک می‌خوردند.

ب. بچه‌هایی داشت که نان خشک می‌خوردند. (لازار، ۱۹۸۲)

(۲) الف. کتاب جالب‌تر از این نخواندم.

ب. کتاب جالب‌تر از این را پیدا نکردم. (همان، ۱۹۸۲)

از مثال‌های فوق به نظر می‌رسد ویژگی‌های معنایی فعل در کاربرد تکواژ «را» در جمله تأثیر دارد. در این پژوهش نگارنده قصد دارد علت حضور یا عدم حضور این تکواژ را بر اساس مشخصه‌های معنایی فعل جمله بررسی کند.

۱. لازار (۱۹۸۲) توضیح بیشتری در رابطه با تمامیت معنایی فعل و فاصله‌ی معنایی فعل و مفعول ارائه نکرده است و به ذکر مثال‌هایی در این زمینه اکتفا کرده است.

۲- بررسی رابطه مشخصه‌های معنایی فعل با حضور « را »

طیب‌زاده (۱۳۸۵) افعال متعدی زبان فارسی را از حیث به‌کار رفتن با حرف نشانه « را » به دو گروه تقسیم کرده است .

الف- افعالی که مفعول آنها الزاماً با حرف نشانه‌ی « را » به‌کار می‌رود و حذف « را » موجب می‌شود جمله غیر دستوری شود . افعالی از قبیل « آگاه کردن ، تهدید کردن ، راحت گذاشتن » از این دسته هستند .

(۳) الف. پلیس مردم را از وجود خطر آگاه کرد .

ب. *پلیس مردم از وجود خطر آگاه کرد .

(۴) الف. خطر شما را تهدید می‌کند .

ب. *خطر شما تهدید می‌کند . (طیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

ب- افعالی که مفعول آنها هم با نشانه « را » به‌کار می‌رود و هم بدون آن . در واقع حذف « را » موجب بدساختی جمله نمی‌شود . افعالی مانند « خوردن ، خواندن ، دیدن ، گرفتن » به این گروه از افعال متعدی تعلق دارند .

(۵) الف. نهار را در رستوران خوردیم .

ب. نهار در رستوران خوردیم . (همان، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

همان گونه که ملاحظه می‌شود افعال متعدی در زبان فارسی به لحاظ تظاهر « را » عملکرد متفاوتی دارند. در این نوشتار نگارنده علت این تفاوت رفتار را مورد مطالعه قرار داده است. به این منظور ابتدا در بخش (۳) توضیح مختصری در رابطه با طبقه‌بندی افعال بر اساس مشخصه نمود ارائه می‌گردد و افعال زبان فارسی در این طبقه‌بندی قرار خواهند گرفت سپس در بخش (۴) بررسی خواهد شد که آیا تفاوت رفتار افعال به لحاظ تظاهر « را »، ارتباطی با طبقه افعال بر اساس نمود دارد و در پایان در بخش (۵) نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۳- مبانی نظری طبقه‌بندی افعال بر اساس نمود

در مورد ساخت رویدادی^۱ افعال مطالعات بسیاری انجام شده و طبقه‌بندی‌های متفاوتی نیز ارائه گردیده است (رایل^۲، ۱۹۴۹؛ کنی^۳، ۱۹۶۳؛ وندلر^۴، ۱۹۵۷، ۱۹۶۷؛ داوتی^۵، ۱۹۷۹؛ روستین^۶، ۲۰۰۴). رایل (۱۹۴۹) افعال را براساس ویژگی نمود به دو دسته افعال حصولی و افعال غایتمند طبقه‌بندی کرده است: افعال غایتمند تغییرحالتی را در رابطه با انجام یک کار نشان می‌دهند در حالی که افعال حصولی به یک تغییر وضعیت اشاره می‌کنند بدون اینکه کاری انجام گرفته باشد. وندلر (۱۹۶۷؛ ۱۹۵۷) افعال را به چهار گروه افعال ایستا، فعالیتی، حصولی، و غایتمند طبقه‌بندی کرده است. افعال ایستا رخدادهایی را شامل می‌شوند که تغییری در آنها حادث نمی‌شود مانند اعتقاد داشتن؛ افعال فعالیتی یک فرایند بدون پایان را شامل می‌شوند مانند دویدن؛ افعال حصولی به رخدادهایی اشاره دارند که به محض آغاز پایان می‌یابند مانند کشف کردن، و افعال غایتمند فرایندی را شامل می‌شوند که به طور طبیعی یک نقطه پایان دارد مانند خواندن یک کتاب. با کمی دقت می‌توان پی برد که دو ویژگی در طبقه‌بندی وندلر دخیل بوده است: ۱- نقطه پایان رخداد ۲- وجود مراحل در رخداد. روستین (۲۰۰۴) از دو ویژگی یاد شده استفاده کرده و دو مشخصه [غایی]^۷، [مرحله‌ای]^۸ را با دو ارزش [+ و -] برای تعریف افعال ایستا، فعالیتی، حصولی و غایتمند به شرح زیر به کار برده است.

افعال ایستا: [- مرحله‌ای ، - غایی]

افعال فعالیتی: [+ مرحله‌ای ، - غایی]

افعال حصولی: [- مرحله‌ای ، + غایی]

افعال غایتمند: [+ مرحله‌ای ، + غایی]

(روستین، ۲۰۰۴ : ۱۲)

-
1. Event Structure
 2. Ryle
 3. Kenny
 4. Vendler
 5. Dowty
 6. Rothstein
 7. Telic
 8. Stage

در اینجا پس از آشنایی با طبقه‌بندی افعال بر اساس نمود و ساخت رویدادی به منظور دنبال کردن هدف اصلی پژوهش حاضر، پیکره‌ای متشکل از ۴۰ فعل متعدی را با پیروی از طبقه‌بندی وندلر (۱۹۶۷؛ ۱۹۵۷) و با استفاده از مشخصه‌های روستین (۲۰۰۴) بر اساس نمود طبقه‌بندی می‌کنیم.

۳-۱ طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس نمود

پیکره مورد بحث متشکل از ۴۰ فعل متعدی به شرح زیر است. برخی از این افعال از افعال متعدی موجود در پیکره طیب‌زاده (۱۳۸۵) هستند و برخی دیگر به‌طور تصادفی از کتاب‌های روایت فتح که در کتابخانه نگارنده موجود بوده، انتخاب شده است. لازم به ذکر است که اگرچه آثار تألیفی به‌طور تصادفی انتخاب شده است ولی انتخاب کتاب‌های روایت فتح به دلیل سبک نگارش و نزدیک بودن به زبان گفتار، آگاهانه انجام شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این افعال از میان افعال ساده، پیشوندی و مرکب زبان فارسی انتخاب شده‌اند.

دوختن	شنیدن	نامیدن	متنفر کردن
اعتقاد داشتن	اره کردن	شستن	پوشیدن
گذاشتن	عصبانی کردن	متأسف کردن	خواندن
مطلع کردن	برداشتن	پشیمان کردن	حکایت کردن
فرستادن	هل دادن	کشیدن	گذراندن
غرق کردن	پختن	گرفتن	تهدید کردن
دیدن	پیل زدن	خریدن	دوست داشتن
راحت گذاشتن	عذاب دادن	خوشحال کردن	وحشت زده کردن
دانستن	تذکر دادن	ساختن	بردن
باور داشتن	به‌لفظ درآوردن	گم کردن	پیدا کردن

حال افعال یاد شده را به لحاظ ساخت رویدادی مورد بررسی قرار داده و آنها را طبقه‌بندی می‌کنیم. برای این منظور ۱۳ مورد از افعال فوق را به‌عنوان نمونه بررسی کرده و چگونگی طبقه‌بندی آنها را توضیح می‌دهیم.

دوختن، خواندن، شستن، ساختن - معنای این افعال بر وقوع رویدادی دلالت می‌کند که دارای مراحل است و یک نقطه پایانی دارد، لذا در طبقه افعال غایتمند قرار می‌گیرند. آزمونی که برای این مطلب ارائه می‌شود استفاده از قید « بتدریج » همراه این افعال در جمله است که در شماره (۶) آمده است. این آزمون شاهدهی بر وجود مشخصه [+ مرحله‌ای] است. علاوه بر این آزمون استفاده از « به مدت / در » همراه این افعال در شماره (۷) ارائه شده است. کاربرد این آزمون مشخصه [+ غایی] را نشان می‌دهد.

(۶) الف. مریم بتدریج لباسش را دوخت.

ب. مریم بتدریج کتاب را خواند.

ج. مریم بتدریج ظرف‌ها را شست.

د. مریم بتدریج خانه را ساخت.

(۷) الف. مریم در / (* به مدت) یک ساعت لباس را دوخت.

ب. مریم در / (* به مدت) یک ساعت کتاب را خواند.

ج. مریم در / (* به مدت) نیم ساعت ظرف‌ها را شست.

د. مریم در / (* به مدت) یک ماه خانه را ساخت.

هل دادن، کشیدن - معنای این افعال بر فرایندی دلالت می‌کند که پایانی ندارد، لذا این

افعال

[+ مرحله‌ای ، - غایی] یعنی فعالیتی هستند. جملات شماره (۸) و (۹) شاهدهی بر این ادعا هستند.

(۸) الف. علی بتدریج میز را هل داد.

ب. علی بتدریج گاری را کشید.

(۹) الف. علی به مدت / (* در) پنج دقیقه ماشین هل داد.

ب. علی به مدت / (* در) نیم ساعت گاری را کشید.

دانستن، تهدید کردن، باور داشتن، دوست داشتن - این افعال بر وجود حالتی دلالت کرده و تغییر وضعیتی را شامل نمی‌شوند لذا در طبقه افعال ایستا قرار می‌گیرند. شاهدهی که برای این مطلب ارائه می‌شود استفاده از قید « بتدریج » و « به مدت / در » همراه این افعال در جمله است که موجب بدساختی جمله می‌شود.

(۱۰) الف. *مریم بتدریج موضوع را می‌دانست.

ب. *مریم بتدریج او را تهدید کرد.

ج. *مریم بتدریج حرف‌های او را باور داشت.

د. *مریم بتدریج علی را دوست داشت.

(۱۱) الف. مریم (*در) / به مدت دو سال موضوع را می‌دانست.

ب. مریم (*در) / به مدت یک هفته او را تهدید کرد.

ج. مریم (*در) / به مدت دو سال حرف‌های او را باور داشت.

د. مریم (*در) / به مدت دو سال علی را دوست داشت.

دیدن، شنیدن، برداشتن - این افعال حصولی هستند یعنی به محض وقوع پایان می‌پذیرند، لذا

[- مرحله‌ای، + غایی] هستند. جملات شماره (۱۲) و (۱۳) شاهدهی بر این ادعا هستند.

(۱۲) الف. *مریم بتدریج مهرداد را دید.

ب. *مریم بتدریج صدا را شنید.

ج. *مریم بتدریج کیف را برداشت.

۱۳) الف . مریم در / (* به مدت) یک لحظه مهرداد را دید.

ب. مریم در / (* به مدت) یک لحظه صدا را شنید.

ج . مریم در / (* به مدت) یک لحظه کیف را برداشت.

با بررسی پیکره پژوهش حاضر با شیوه‌های فوق افعال به صورت جدول (۱) طبقه‌بندی می‌شوند.

افعال ایستا	افعال حصولی	افعال فعالیتی	افعال غایب‌مند
دانستن	دیدن	هل دادن	دوختن
اعتقاد داشتن	شنیدن	کشیدن	خواندن
باور داشتن	برداشتن		شستن
دوست داشتن	پشیمان کردن		ساختن
تهدید کردن	پیدا کردن		خریدن
راحت گذاشتن	گم کردن		حکایت کردن
عذاب دادن	خوشحال کردن		پوشیدن
تذکر دادن	وحشت زده کردن		گذراندن
نامیدن	متأسف کردن		غرق کردن
	به لفظ در آوردن		پختن
	گذاشتن		بیل زدن
	فرستادن		اره کردن
	بردن		
	گرفتن		
	متنفر کردن		
	عصبانی کردن		
	مطلع کردن		

جدول (۱)

لازم به ذکر است ایجاد برخی تغییرات در جمله موجب تغییر نمود فعل می‌گردد. به‌عنوان نمونه در صورتی که مفعول فعل «بیل زدن» معرفه باشد این فعل در طبقه افعال غایتمند قرار می‌گیرد اما با نکره شدن مفعول، فعل مذکور فعالیت می‌گردد. این مطلب در مورد فعل «اره کردن» نیز صدق می‌کند.

(۱۴) الف. علی در / (* به مدت) یک ساعت باغچه را بیل زد.

ب. علی به مدت / (* در) یک ساعت باغچه بیل زد.

ج. علی در / (* به مدت) یک ساعت درخت را اره کرد.

د. علی به مدت / (* در) یک ساعت درخت اره کرد.

اکنون پس از طبقه‌بندی افعال مورد بحث بر اساس ساخت رویدادی به بررسی آنها به لحاظ تظاهر «را» به همراه مفعول آنها در جمله می‌پردازیم.

۲-۳ طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس تظاهر «را»

همان‌طور که ذکر آن رفت طیب‌زاده افعال متعدی را از جهت به‌کار رفتن با «را» به دو دسته تقسیم کرده است. در این قسمت افعال پیکره فوق را در طبقه‌بندی طیب‌زاده قرار می‌دهیم. برای این منظور چند مورد از افعال فوق را به‌عنوان نمونه بررسی کرده و چگونگی طبقه‌بندی آنها را توضیح می‌دهیم.

دانستن، باور داشتن، خوشحال کردن، متأسف کردن، تذکر دادن - این افعال جزو گروهی هستند که مفعول آنها الزاماً با «را» به‌کار می‌رود. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد حذف «را» در جملات (۱۶) موجب بدساختی جمله می‌گردد.

(۱۵) الف. مریم جواب را می‌دانست.

ب. مریم موضوع را باور داشت.

ج. مریم خواهرش را خوشحال کرد.

د. نمره ی مریم معلم را متأسف کرد.

ح. مریم مطلب را به او تذکر داد.

(۱۶) * الف. مریم جواب می دانست.

* ب. مریم موضوع باور داشت.

* ج. مریم خواهرش خوشحال کرد.

* د. نمره ی مریم معلم متأسف کرد.

* ح. مریم مطلب به او تذکر داد.

پختن، هل دادن، دوختن، پوشیدن، غرق کردن - این افعال جزو گروهی هستند که مفعول آنها هم با حرف نشانه « را » به کار می رود و هم بدون آن. همان گونه که ملاحظه می گردد در جملات (۱۸) حذف « را » موجب بدساختی جمله نمی گردد.

(۱۷) الف. آشپز غذا را پخت.

ب. علی ماشین را هل داد.

ج. مریم لباس را دوخت.

د. علی کت را پوشید.

ح. طوفان کشتی های زیادی را غرق کرد.

(۱۸) الف. آشپز غذا پخت.

ب. علی ماشین هل داد.

ج. مریم لباس دوخت.

د. علی کت پوشید.

ح. طوفان کشتی های زیادی غرق کرد.

با بررسی پیکره پژوهش حاضر با شیوه فوق افعال بر اساس تظاهر « را » به صورت جدول (۲) طبقه بندی می شوند.

جدول (۲)

۲- افعالی که مفعول آنها هم با نشانه «را» به کار می‌رود و هم بدون آن.	۱- افعالی که مفعول آنها الزاماً با حرف نشانه «را» به کار می‌رود.
خواندن- حکایت کردن - گذراندن خریدن - دوختن - گذاشتن - فرستادن غرق کردن - به لفظ درآوردن- دیدن شنیدن - برداشتن - پوشیدن - ساختن هل دادن - کشیدن - گم کردن - شستن گرفتن- پیدا کردن - بردن - پختن- بیل زدن اره کردن - دوست داشتن	متأسف کردن - نامیدن - عذاب دادن پشیمان کردن - خوشحال کردن وحشت زده کردن - تهدید کردن متنفر کردن - باور داشتن - مطلع کردن راحت گذاشتن - تذکر دادن دانستن- اعتقاد داشتن - عصبانی کردن

اکنون پس از طبقه‌بندی افعال زبان فارسی، در بخش (۴) به بررسی ارتباط ساخت رویدادی این افعال با تظاهر عنصر «را» به همراه مفعول آنها در جمله خواهیم پرداخت.

۴- بررسی رابطه نمود فعل با تظاهر «را»

در این بخش پس از طبقه‌بندی افعال پیکره فوق بررسی خواهد شد آیا رابطه‌ای بین ساخت رویدادی این افعال با تظاهر عنصر «را» به همراه مفعول آنها در جمله وجود دارد. دقت در تقسیم‌بندی فوق نشان می‌دهد افعال غایتمند و فعالیتی بدون استثنا همگی در ردیف دوم جدول (۲) قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر مفعول این افعال می‌تواند هم با «را» به کار رود هم بدون «را». افعال ایستا بجز یک مورد همگی در ردیف اول جدول (۲) قرار می‌گیرند، یعنی مفعول این افعال الزاماً با «را» به کار می‌رود. افعال حصولی رفتار عجیبی نشان می‌دهند. بعضی از افعال حصولی مانند «دیدن، پیدا کردن، برداشتن، گم کردن» در ستون اول جدول (۲) قرار می‌گیرند و برخی دیگر مانند «خوشحال کردن، متأسف کردن، پشیمان کردن، عصبانی کردن» در ستون دوم جدول (۲)

قرار می گیرند. در تحلیل رفتار این افعال به مشخصه‌های آنها توجه می‌کنیم که در شماره (۱۹) تکرار شده است.

(۱۹)	افعال ایستا:	[- مرحله‌ای ، - غایی]
	افعال فعالیتی:	[+ مرحله‌ای ، - غایی]
	افعال حصولی:	[- مرحله‌ای ، + غایی]
	افعال غایتمند:	[+ مرحله‌ای ، + غایی]

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد افعال غایتمند و افعال فعالیتی در مشخصه [+ مرحله‌ای] مشترک هستند در حالی که افعال ایستا هیچ وجه اشتراکی با افعال غایتمند ندارند. افعال حصولی نیز در مشخصه [+ غایی] با افعال غایتمند مشترک هستند. این مطالب تلویحاً بیانگر علت تفاوت رفتار افعال یاد شده در رابطه با تظاهر عنصر « را » همراه مفعول آنهاست. در واقع اگر افعال غایتمند را به دلیل داشتن مشخصه‌های [+ مرحله‌ای ، + غایی] مقیاس بررسی قرار داده و سایر افعال را با آنها بسنجیم درمی‌یابیم افعالی که با افعال غایتمند وجه اشتراک داشته باشند، مانند آنها عمل می‌کنند. مفعول افعال غایتمند می‌تواند همراه با « را » یا بدون « را » به کار رود. افعال فعالیتی در مشخصه [+ مرحله‌ای] با افعال غایتمند وجه اشتراک دارند، لذا می‌توان نتیجه گرفت مشخصه‌ی نمود در این افعال موجب می‌گردد که مفعول آنها بتواند همراه با « را » یا بدون « را » به کار رود. افعال ایستا درست نقطه‌ی مقابل افعال غایتمند قرار دارند، بنابراین می‌توان انتظار داشت رفتاری کاملاً متفاوت نشان دهند که همین‌طور نیز هست و مفعول این افعال الزاماً با « را » به کار می‌رود. لازم به ذکر است در میان افعال ایستا یک مورد استثنا وجود دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

بررسی سه دسته افعال غایتمند، فعالیتی و ایستا این نتیجه را حاصل می‌کند که مشخصه‌ی نمود فعل جمله عاملی تعیین‌کننده در تظاهر « را » است. به عبارت دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفعول افعال غایتمند و فعالیتی می‌تواند همراه با « را » یا بدون « را » به کار رود و مفعول افعال ایستا الزاماً همراه با « را » استفاده می‌شود. اما در مورد افعال حصولی نیاز به بررسی دقیق‌تر است. این افعال در مشخصه [+ غایی] با افعال غایتمند مشترک هستند، لذا انتظار می‌رود مانند افعال غایتمند عمل کنند یعنی مفعول آنها بتواند همراه با « را » یا بدون « را » به کار رود. این در حالی است که

برخی از افعال حصولی در پیکره مورد بحث مانند افعال ایستا عمل می‌کنند. به منظور بررسی این رفتار، افعال حصولی از طبقه‌بندی جدول (۲) استخراج شده و در جدول (۳) ارائه خواهند شد. جدول (۳)

۲	۱
افعال حصولی که مفعول آنها الزاماً با حرف نشانه «را» به کار می‌رود.	افعال حصولی که مفعول آنها هم با نشانه «را» به کار می‌رود و هم بدون آن.
پشیمان کردن ، خوشحال کردن وحشت‌زده کردن ، متأسف کردن متنفر کردن ، عصبانی کردن مطلع کردن	دیدن ، گرفتن ، برداشتن ، پیدا کردن شنیدن ، بردن ، فرستادن ، گم کردن گذاشتن ، به‌لفظ‌درآوردن

همان گونه که ملاحظه می‌گردد در ستون اول افعالی مثل «دیدن، گرفتن، برداشتن» به خاطر داشتن مشخصه [+غایی] مانند افعال غایتمند عمل می‌کنند، لذا مشکلی ایجاد نمی‌کنند. اما افعال ستون دوم علیرغم داشتن وجه مشترک با افعال غایتمند مانند آنها عمل نمی‌کنند. دقت در این افعال روشن می‌سازد کل افعال ستون دوم جزو افعال روان‌شناختی^۱ هستند لذا ابتدا توضیح مختصری در رابطه با افعال روان‌شناختی ارائه می‌گردد سپس با استفاده از ویژگی‌های افعال روان‌شناختی تفاوت رفتار افعال حصولی ستون دوم جدول (۳) قابل تبیین خواهد بود. افعال روان‌شناختی افعالی هستند که در آنها نوعی احساس و حالت روان‌شناختی توسط موجود جاندار تجربه می‌شود. نقش‌های معنایی که این افعال به موضوع‌های خود می‌دهند نقش‌های معنایی تجربه‌گر^۲ و عامل^۳ است. بلتی و ریتزی^۴ (۱۹۸۸) افعال روان‌شناختی در زبان ایتالیایی را بررسی کرده و در سه دسته طبقه‌بندی کرده‌اند:

1. Psych-verbs
2. Experiencer
3. Causer
4. Belletti & Rizzi

۱- **افعال ناظر بر توسیدن:** در این دسته تجربه گر در جایگاه فاعل و عامل در جایگاه مفعول می نشینند.

(20) Gianni teme questo .
(Gianni fears this .)

(بلتی و ریتزی ، ۱۹۸۸ : ۲۹۱)

۲- **افعال ناظر بر نگران شدن:** در این دسته تجربه گر در جایگاه مفعول و عامل در جایگاه فاعل می نشینند.

(21) Questo preoccupa Gianni .
(This worries Gianni .)

(همان ، ۱۹۸۸ : ۲۹۱)

۳- **افعال ناظر بر خشنود شدن:** در این افعال تجربه گر دارای حالت متمم بایی و عامل دارای حالت فاعلی است. در این دسته افعال آزادی حرکت وجود دارد به طوری که تجربه گر و عامل می توانند در جایگاه فاعل یا مفعول قرار گیرند.

(22) A Gianni piace questo .
(To Gianni pleases this .)

(23) Questo piace a Gianni .
(This pleases to Gianni .)

(همان ، ۱۹۸۸ : ۲۹۱)

هافمیستر^۱ (۲۰۰۵) نیز به لحاظ جایگاه قرار گرفتن تجربه گر و عامل در زبان انگلیسی دو نوع ساخت معرفی کرده است: ساخت دارای **فاعل تجربه گر**^۲ و ساخت دارای **مفعول تجربه گر**^۳.

(24) I fear synchronized swimmers .
experiencer stimulus / causer

(25) synchronized swimmers frightened me .

1. Hoffmeister
2. Subject experiencer construction
3. Object experiencer construction

stimulus / causer

experiencer

(هافمیستر، ۲۰۰۵)

چراغی (۱۳۸۶) با بررسی افعال روان‌شناختی زبان فارسی از نظر جایگاه قرار گرفتن تجربه‌گر و عامل آنها را در دو دسته طبقه‌بندی کرده است:

۱- دسته غیرسببی: در این افعال تجربه‌گر در جایگاه فاعل و عامل در جایگاه مفعول می‌نشیند.

(۲۴) الف. دانش آموزان از قبولی در کنکور خوشحال بودند.

ب. علی از رفتار حسین در میهمانی عصبانی بود.

۲- دسته سببی: در این دسته تجربه‌گر در جایگاه مفعول و عامل در جایگاه فاعل می‌نشیند.

(۲۵) الف. قبولی در کنکور دانش آموزان را خوشحال کرد.

ب. رفتار حسین در میهمانی علی را عصبانی کرد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد افعالی مانند « خوشحال کردن » و « عصبانی کردن » صورت سببی‌شده‌ی افعال « خوشحال بودن » و « عصبانی بودن » هستند. از طرفی دقت در افعال ستون دوم جدول (۳) نشان می‌دهد تمامی آنها صورت سببی‌شده هستند. این افعال از جدول (۳) استخراج شده و به همراه صورت غیرسببی آنها در جدول (۴) ارائه شده‌اند.

جدول (۴)

افعال غیر سببی	افعال سببی شده
خوشحال بودن	خوشحال کردن
متأسف بودن	متأسف کردن
وحشت زده بودن	وحشت زده کردن
پشیمان بودن	پشیمان کردن
عصبانی بودن	عصبانی کردن
متنفر بودن	متنفر کردن
مطلع بودن	مطلع کردن

بررسی افعال فوق بر اساس مشخصه‌ی نمود نشان می‌دهد افعال غیرسببی ستون اول ایستا و افعال سببی ستون دوم حصولی می‌باشند. این مطلب روشن می‌سازد افعال حصولی در ستون دوم دراصل

صورت سببی شده افعال ایستا در ستون اول هستند. بر این اساس می‌توان تفاوت رفتار افعال حصولی در پیکره پژوهش حاضر را تبیین کرد.

آنچه مسلم است افعال حصولی که صورت سببی شده یک فعل ایستا می‌باشند با افعالی که در اصل حصولی هستند، متفاوتند و همین مطلب موجب تفاوت رفتار آنها شده است. به عنوان مثال فعل «عصبانی کردن» که صورت سببی شده‌ی فعل ایستای «عصبانی بودن» است با فعل «فرستادن» که به طور ذاتی حصولی است، متفاوت است، به همین دلیل از حیث به کار رفتن با حرف نشانه «را» نیز رفتار متفاوتی دارند. در واقع فعل «فرستادن» و افعالی از این قبیل که در اصل حصولی هستند به خاطر وجه اشتراک با افعال غایت‌مند مانند آنها عمل می‌کنند یعنی مفعول آنها می‌تواند همراه با «را» یا بدون آن به کار رود. این در صورتی است که فعل «عصبانی کردن» و افعالی از این قبیل که صورت سببی شده‌ی افعال ایستا هستند مانند افعال ایستا عمل می‌کنند یعنی مفعول آنها همراه با «را» به کار می‌رود. به عبارت دیگر نمود اولیه این قبیل افعال آنها را در طبقه افعال ایستا قرار می‌دهد و حصولی بودن مشخصه ثانویه آنهاست که بعد از سببی شدن حاصل می‌گردد.

در این قسمت پس از تبیین تفاوت رفتار افعال حصولی در پیکره پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تفاوت عملکرد افعال متعدی از لحاظ حضور یا عدم حضور «را» به همراه مفعول آنها بر اساس مشخصه نمود افعال قابل تبیین است. این مطلب به نوعی تأییدی است بر تحلیل لازار (۱۹۸۲) که ویژگی‌های معنایی فعل را در تظاهر «را» دخیل می‌دانست.

لازم به ذکر است که نتیجه‌گیری فوق در مورد پیکره‌ی پژوهش حاضر یک استثنا دارد. مورد استثنا فعل «دوست داشتن» است. این فعل جزو افعال ایستا است و پیش‌بینی می‌شود مفعول آن الزاماً همراه با «را» به کار رود. مثال (۲۶) شاهدهی بر این مطلب است. «را» در این مثال نشانه مفعول صریح معرفه است.

(۲۶) الف. علی پسر برادرش را دوست دارد.

* ب. علی پسر برادرش دوست دارد.

البته علیرغم اینکه این فعل جزو افعال ایستا می‌باشد در برخی موارد به لحاظ کاربرد « را » مانند آنها عمل نمی‌کند. همان‌گونه که در مثال (۲۷) ملاحظه می‌شود مفعول فعل «دوست داشتن» می‌تواند همراه با « را » یا بدون آن به کار رود. « را » در این مثال نشانه مشخص بودن مفعول است.

(۲۷) الف. علی ماشین را دوست دارد.

ب. علی ماشین دوست دارد.

لازار (۱۹۸۲) نیز با ارائه مثالی برای فعل «دوست داشتن» مشخصه جاندار بودن مفعول را در تظاهر « را » مؤثر می‌داند. همان‌گونه که در مثال (۲۸) الف) ملاحظه می‌شود منظور از خرگوش حیوان جاندار است که می‌تواند با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار کند در حالی که در شماره (۲۸) ب) گوشت خرگوش به عنوان یک نوع غذا مورد نظر است.

(۲۸) الف. خرگوش را دوست دارم.

ب. خرگوش دوست دارم.

(لازار، ۱۹۸۲)

نتیجه‌گیری

بررسی فوق حاکی از آن است که افعال غایتمند و فعالیتی به خاطر مشخصه مشترک [+مرحله‌ای] یکسان عمل می‌کنند یعنی مفعول آنها هم می‌تواند همراه با « را » به کار رود هم بدون آن، اما عدم وجود مشخصه مشترک میان افعال ایستا و غایتمند سبب می‌شود مفعول افعال ایستا الزاماً همراه با « را » به کار رود. به دلیل وجود مشخصه‌ی مشترک [+غایی] در افعال حصولی و افعال غایتمند پیش‌بینی می‌شد یکسان عمل کنند اما رفتار برخی از افعال حصولی مانند افعال ایستا بود. از آنجایی که این افعال از افعال روان‌شناختی بودند علت تفاوت رفتار آنها نیز تبیین گردید. نتیجه آن که تفاوت رفتار افعال متعدی به لحاظ تظاهر « را » به همراه مفعول آنها بر اساس مشخصه نمود افعال قابل تبیین است.

لازم به ذکر است که نوشتار حاضر نقش معنی‌شناسی را در مطالعه ساختار جمله برجسته می‌کند. زمانی که در مورد یک تکواژ نقشی که حضور آن کاملاً در حوزه نحو قابل تبیین است، مشخصه‌های معنایی این گونه تأثیرگذار خواهند بود بدون تردید بسیاری از زوایای زبان از دریچه معنی‌شناسی قابل مشاهده خواهد بود.

منابع

- چراغی؛ زهرا. (۱۳۸۶) *افعال روان‌شناختی زبان فارسی و اصل اول نظریه‌ی مرجع‌گزینی*. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- خانلری؛ پرویز. (۱۳۵۱) *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- دبیرمقدم؛ محمد. (۱۳۶۹) « پیرامون "را" در زبان فارسی ». *مجله‌ی زبانشناسی*، س ۷؛ ش ۱؛ ص ۶۰-۲.
- راسخ‌مهند؛ محمد. (۱۳۸۹) « مفعول‌نمایی افتراقی؛ نگاهی دیگر به «را» ». *مجله‌ی زبانشناسی و گویش‌های خراسان*، س ۲؛ ش ۲؛ ص ۱۳-۱.
- صادقی؛ علی اشرف. (۱۳۴۹) « "را" در زبان فارسی امروز ». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، س ۱۳؛ ش مسلسل ۹۳؛ ص ۲۲-۹.
- طیب‌زاده؛ امید. (۱۳۸۵) *ظرفیت فعل و ساختهای بنیادین در فارسی امروز*. تهران: نشر مرکز.
- نجفی؛ ابوالحسن. (۱۳۶۶) « "را" پس از فعل ». *نشر دانش*، س ۷؛ ش ۴۲؛ ص ۱۹-۱۸.

ب- انگلیسی

- Aissen, Judith.(2003)"Differential object marking: Iconicity vs. economy". *Natural Language and Linguistic Theory*, 21, 435-483.
- Belletti, Adriana. & Luigi Rizzi.(1988)"Psych verbs and Theta Theory". *Natural Language and Linguistic Theory*, 6, 291-352.
- Dowty, David.(1979) *Word Meaning and Montague Grammar*. Dordrecht: Kluwer.

- Hajati, Abdol-Khalil.(1977) *Ke Construction in Persian: Descriptive and Theoretical Aspects*. Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Illinois, Urbana.
- Hoffmeister, P. (2005) *Psychollcations cross linguistically and experience realization*.<http://www.ling.umd.edu>.
- Karimi, Simin.(1989) *Aspects of Persian Syntax, Specificity and the Theory of Grammar*. Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Washington.
- Kenny, Anthony.(1963) *Actions, Emotions and Will* .London: Routledge & Kegan Paul.
- Lambton, Ann, K.S.(1984) *Persian Grammar*. Cambridge University Press.
- Lazard, Gilbert.(1982) Le morpheme ra en Persan et les relations actanciennes. *Bulletin de la Societe de Linguistique de Paris*,73,1,177-208.
- Peterson, David.(1974) *Noun Phrase Specifity*. Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Michigan.
- Phillott,D.C.(1919) *Higher Persian Grammar*. Calcutta.
- Rothstein, Susan.(2004) *Structuring Events A Study in the Semantics of Lexical Aspect*. Blackwell Publishing.
- Ryle, Gilbert.(1949) *The Concept of Mind* .London: Barnes and Nobles.
- Vendler, Zeno.(1957) Verbs and times. *Philosophical Review* LXVI:143-60. Reprinted in a revised version in Vendler(1967)
- Vendler, Zeno.(1967) *Linguistics in Philosophy*. Ithaca,NY;Cornell.